

مثنوی در صفت آئینه خانه شاهزاده عالم

محمد آصف نعیم صدیقی*

نگارنده از دو نسخه دیوان آشنا که در کتابخانه دیوان هند در انگلستان وجود دارد در مدتی که آن دیار اقامت داشت استفاده نمود و این دو نسخه مرتباً مورد مطالعه قرار گرفت. این نسخه که شماره ۱۵۸۴ و تاریخ ۱۰۶۰ هجری قمری (۱۶۵۱ م.) دارد نسخه شخصی آشنا بود.

نسخه دوم به شماره ۱۸۸۵ که در صفحه اول آن تاریخ ۱۰۹۴ ه.ق. (۱۶۸۳ م.) دیده می‌شود در زمان حیات شاعر استنساخ شده است. در حاشیه این نسخه اضافات و اصلاحات زیادی وجود دارد. در اینجا نیز به نظر می‌آید که اوراق خالی به منظور اضافه کردن مطالب تعبیه شده است. دو نسخه فوق تاکنون به چاپ نرسیده است. استاد محمد شفیع دو مثنوی آشنا را راجع به آئینه خانه که توسط داراشکوه تأسیس شده بود در مجله اورینتال کالج لاهور به چاپ رسانده است که در اینجا عیناً نقل می‌شود:

*- دانشیار فارسی دانشگاه اسلامی علیگره، علیگره.



حبذا این نشیمن والا که بود رشک عالم بالا
چه عجب ز آبگینه بسیار گر هوایش بود رطوبت دار
نیست آئینه‌ها بدیوارش دل پاکان بود گرفتارش
هر که یک بار اندر او گردید همچو خود محو او هزاران دید
ساخت بوم و برش ز آئینه مرد همچو عکسی که جا در آئینه کرد
این قدر زینتش ز آئینه داد یا در آئینه عکس خانه فتاد
آنچنان طاق را برفعت بست که شکستن برو نیابد دست
دیده در وی ز حیرت بسیار همچو آئینه پشت بر دیوار
هر که یکبار این بنا را دید گرد او چون کتابه‌اش گردید
درخور این کتابه دلخواه مطلع آفتاب و مصرع ماه
دل ز کف برده حسن دلجویش طاق و آئینه چشم و ابرویش
چون مخطط بتان آئینه رو شده از چار طاق چار ابرو
غیر اگر وصف او نکرد مثال خط ز آئینه کی کند تمثال
نه همین بلبش ز آئینه است شاخ و برگ گلش ز آئینه است
کرده طفل از نگاه این مسکن بی‌معلم سواد را روشن
بسکه ز آئینه‌ها بتاب بود سایه‌اش رشک آفتاب بود
بسکه در این بنای فیض آثار رفته آئینه‌های ریزه بکار
هر که چشم از نظاره‌اش شوید چون بسقفش نظر کند گوید
کین همه پاره‌های آئینه است یا یک آئینه بزرگ شکست
ساخت از بسکه بیکدارش (?) مرد همه آئینه‌ها یک آئینه کرد
تا درو گردد صورتی تحریر شد ز نقاش خانه پر تصویر
این همه آئینه است با معمار صورت دل کشیده بر دیوار
بود این رشک خلوت سینه این قدر دل‌نشین ز آئینه
کرده بنای این نکو منزل از یک آئینه تمام چو دل

روز بر سقف این بنا کوب
دیدن این مقام خلد نظیر
به حلب هم رسیده‌اند بسی
از فروغ تو ای صفا سینه
تا صفا و طراوتت را دید
ای ز آئینه چشم نورانی
به سپهر از چه رو نسای سر
صاحب روزگار وارث تخت
آنکه از تیغ او شود بمصاف
خلق او حل نموده مشکلیها
پاسخش از بلندی گفتار
هم بود یک ملازمش سنجر
از دل و دیده تا شده معمار
صلح در عهد او ز بس شده عام
خصم را بوده گر دل آهن‌وار
پنجه را که شد زدست جدا
ای که رونق گرفته از تو جهان
تا تو با طالع سلیمانی
باد با خاک دست بیعت داد
چون بیزم تو می حواله کنند
بسکه امنیت از تو عام بود
چون جهانید هیبت تو کتل
کردی از پنجه کرم گستر
تا برد قصر چرخ نورانی
بیشتر می‌دهد فروغ از شب
چشم آئینه را نسازد سیر
این قدر آئینه ندید کسی
آب گردد بچشم آئینه
باخت آئینه رنگ چون خورشید
سرمه از سایه بر تو ارزانی
که بود بانیت فریدون‌فر
شاه داراشکوه والا بخت
سپر آفتاب پر زشگاف
کرده تعمیر کعبه دلها
بخت خوابیده را کند بیدار
هم یک آئینه دارش اسکندر
کرده آئینه خانها تیار
نکند تیغ سر برون ز نیام
خط به بینی کشیده چون پرکار
لطف او بهله^۱ سان کند گیرا
خانه عدل از تو آبادان
کرده جا به تخت سلطانی
صلح شد در میانه اصداد
آب و آتش بیک پیاله کنند
تیغ از زنگ در نیام بود
شده ماضی جهان مستقبل
دامن آفتاب را پر زر
بتو دین خانه باد ارزانی

۱- بهله بالکسر پوستین است باندام پنجه که میر شکاران بر پنجه کشند (بهار).

حذا این خانه آئینه کار
 این قدر ز آئینه‌ها باشد نمود
 کی تواند آسمان شد همسرش
 تا پی نظاره او سر کشد
 استواری باشدش از صد فزون
 از صفای عرصه میدان او
 از پی نظاره‌اش بی‌کینها
 بر فلک از نورش اختر بی‌درنگ
 خانها پر نقش و گل چیدن ز ما
 بسکه بالد بر خود از گلزار او
 گر نکویی را گذر در وی فتاد
 دیده از رویش نپوشد یک زمان
 آمدند از بهر سیر او بسی
 دزد اینجا زود رسوا می‌شود
 نی همین خوار است بلبل پیش او
 ختم می‌سازم سخن را آشنا
 تا نیارد دید چرخ از کینه‌اش
 کاسمان شد بهر او آئینه دار
 یا دل از پاکان گه دیدن ربود
 می‌توان در روز دیدن اخترش
 سرمه شب در دیده اختر کشد
 هر ستون اوست کوه بی‌ستون
 خانه دل گرده ایوان او
 دل بدل چسپیده چون آئینه‌ها
 شد سیه چون داغ بر پشت پلنگ
 چشمها ز آئینه و دیدن ز ما
 شد منبت بوتۀ دیوار او
 خوبی او شد یکی در صد زیاد
 بس بود آئینه او را پاسبان
 سوزنی اینجا کند گم ار کسی
 تا نهان گردید پیدا می‌شود
 نقش دیواری بود گل پیش او
 چشم لاهوری است این عالی بنا
 باد روش چشم هر آئینه‌اش!

مقایسه مثنوی چاپ شده به نسخه شماره ۱۷۸۴

مثنوی اول

مثنوی اول که استاد شیخ به چاپ رسانیده‌اند، ۴۸ بیت دارد و در مثنوی نسخه خطی
 (که متأسفانه فعلاً فقط ۳۵ بیت در اختیار این جانب است). شش بیت بیشتر از نسخه
 چاپی دارد که عیناً در زیر آورده شده است.

۱- اورینتل کالج میگزین، لاهور، می ۱۹۲۶ م، ص ۱۱.

بیت دوم از روی نسخه خطی:
 شده از دیدنش بیکباره
 دل چو آئینه محو نظاره
 بیت پنجم از روی نسخه خطی:
 شده در رتبت این نشیمن پاک
 رشک آئینه خانه افلاک
 بیت دهم از روی نسخه خطی:
 شد ز دست آنکه از شنیدن او
 یا نمود آرزوی دیدن او
 بیت یازدهم از روی نسخه خطی:
 از نفس می کند تهی سینه
 که بود جای عکس آئینه
 بیت بیست و نهم از روی نسخه خطی:
 هر که آید بدیده بینا
 بتماشای این خجسته بنا
 بیت سی ام از روی نسخه خطی:
 هیچ کارش بغیر دیدن نیست
 که مجال نفس کشیدن نیست
 بیت سی و یکم از روی نسخه خطی:
 حوض باشد در این خجسته بنا
 یا فتاد است عکس آئینها
 شعر هشتم مثنوی چاپ شده:
 دیده دروی ز حیرت بسیار
 همچو آینه پشت بر دیوار

اختلاف متن

- ۱- بیت اول چاپ شده بدین قرار است:
 حبذا این نشیمن والا که بود رشک عالم بالا
 در نسخه خطی و شعر اول به جای این «زین» آمده است.
- ۲- بیت بیست و چهارم چاپ شده بدین قرار است:
 کرده بنای این نکو منزل از یک آئینه تمام چو دل
 ساخت از بسکه بیکدارش (؟) مرد همه آئینه ها یک آئینه کرد



که بیت بیستم چاپی است در نسخه خطی بیت سی و پنجم می‌باشد که به شکل زیر آورده شده است:

ساخت از بسکه تنگدرزش مرد همه آئینه را یک آئینه کرد
۴- بیت بیست و هفتم چاپی:

به حلب هم رسیده‌اند بسی این قدر آئینه ندید کسی
در نسخه خطی به شکل زیر آورده شده است:
بحلب هم رسیده‌اند بسی این قدر آئینه ندیده کسی
این مثنوی در نسخه خطی، با این عنوان آغاز می‌شود «مثنوی در صفت آئینه خانه شاهزاده عالم». ولی مثنوی چاپی عنوان ندارد.

مثنوی دوم

مثنوی دوم نسخه خطی به این عنوان آغاز می‌شود «مثنوی در تعریف آئینه خانه لاهور» ولی مثنوی دوم چاپی هم عنوان ندارد. مثنوی دوم چاپی هفده بیت دارد و مثنوی نسخه خطی دارای بیست و پنج بیت می‌باشد و ابیات زیر بیشتر از ابیات چاپی می‌باشد.
(۱) بیت هشتم از روی نسخه خطی:

تا بروز او را فراغ کوکب است روز پیش دیده انجم شب است
(۲) بیت نهم از روی نسخه خطی:

این قدر آئینه‌ها دارد نمود آسمان تا بر زمین آرد فرود
(۳) بیت سیزدهم از روی نسخه خطی:

در تنش آئینه‌ها جان می‌کند یکچراغ او را چراغان می‌کند
(۴) بیت پانزدهم از روی نسخه خطی:

در صفا رشک فضای سینه است اختر بیدار او آئینه است
(۵) بیت شانزدهم از روی نسخه خطی:

بسکه دروی سیر مردم می‌کند خویش را نظارگی کم می‌کند

۶) بیت هجدهم از روی نسخه خطی:

هست چون دل جای در هر سینه‌اش عینک نظارگی آئینه اش
 ۷) بیت بیست و یکم از روی نسخه خطی:

چشم بر بام و در او دوختن باید از آئینه اش آموختن

۸) بیت بیست و دوم از روی نسخه خطی:

قدر هر آئینه او را بدان خط پیشانی از این عینک بخوان

اختلاف متن

۱) شعر دوم چاپی بدین قرار است:

این قدر ز آئینه‌ها باشد نمود یا دل از پاکان گه دیدن ربود
 در نسخه خطی به جای «آئینه‌ها»، «آئینه‌اش» آمده است.

۲) شعر ششم چاپی بدین قرار است:

از صفای عرصه پدران او خانه دل گرده ایوان او

نسخه خطی این شعر را این طور نوشته است:

از صفا بر عرصه میدان او خانه دل گرده ایوان او

مقایسه با نسخه شماره ۱۵۸۵

در این نسخه مثنوی اول با عنوان «در صفت آئینه خانه» آغاز می‌شود و دارای پنجاه و دو بیت می‌باشد و ابیات زیر را به صورت ابیات اضافه آورده است.

۱- بیت هشتم از روی نسخه خطی:

شد ز دست آنکه از شنیدن او یا نمود آرزوی دیدن او

۲- بیت نهم از روی نسخه خطی:

از نفس می‌کند تهی سینه که بود جای عکس آئینه

۳- بیت سی و چهارم:

از وجودت زمانه گلشن باد چشم لاهور از تو روشن باد

اختلاف متن

- ۱- شعر دوم چاپی بدین قرار است:
 چه عجب ز آبگینه بسیار گر هوایش بود رطوبت‌دار
 نسخه خطی به جای «گر»، «که» دارد.
- ۲- شعر شانزدهم چاپی بدین قرار است:
 بسکه ز آئینه‌ها بتاب بود سایه‌اش رشک آفتاب بود
 در نسخه خطی به جای «بسکه»، «بس‌کز» آمده است.
- ۳- بیت بیستم چاپی بدین قرار است:
 ساخت از بسکه بیکدارش (?) مرد همه آئینه‌ها یک آئینه کرد
 این بیت در نسخه خطی به شکل زیر است:
 ساخت از بسکه تنگدزش مرد همه آئینه را یک آئینه کر
- ۴- بیت بیست و چهارم چاپی بدین شکل می‌باشد:
 کرده بنای این نکو منزل از یک آئینه تمام‌چو دل
 در نسخه خطی به جای «آئینه»، «آئینه‌اش» آمده است.
 در نسخه خطی بیت زیر که بیت یازدهم است قلم خورده می‌باشد:
 هر که یکبار این بنا را دید گرد او چون کتابه‌اش گردید
 در این بیت نسخه خطی:
 چون منخط بتان آئینه رو شده از چار طاق چار ابرو
 که شعر چهاردهم می‌باشد کلمه آئینه خط زده شده است و به جای آئینه در حاشیه
 کلمه نیکو بکار رفته است.
 بیت بیست و هشتم چاپی نیز قلم خورده می‌باشد و آن بیت این است.
 دیدن این حکام خلد نظیر چشم آئینه را نسازد سیر
 در شعر سی و ششم خطی است که بدین قرار است:
 صاحب روزگار و وارث تخت شاه داراشکوه والا بخت

کلمات «صاحب» و «داراشکوه» به کلمات «داور» و «اورنگ‌زیب» عوض شده است.

مثنوی دوم

مثنوی دوم نسخه نوزده بیت دارد و بدون عنوان آغاز می‌شود. در این مثنوی ابیات زیر به صورت اضافه آمده است.

بیت یازدهم از روی نسخه خطی:

در تنش آئینه‌ها جان می‌کند یک چراغ او را چراغان می‌کند

بیت سیزدهم از روی نسخه خطی:

بسکه از وی سیر مردم می‌کند خویش را نظارگی کم می‌کند

اختلاف متن

بیت اول نسخه خطی به جای «این»، «ای»؛ بیت دوم به جای «آئینه‌ها»، «آئینه‌اش»؛ بیت پنجم به جای «صد»، «حد»؛ بیت هشتم به جای «از نورش»، «بی‌نورش» و بیت شانزدهم به جای «گردید»، «گردیده» دارد. بیت شانزدهم در نسخه خطی، در نسخه چاپی در بیت چهاردهم آورده شده است. همچنین مصرع دوم بیت پانزدهم نسخه خطی در نسخه چاپی در مصرع دوم آورده شده است که بدین قرار است «سوزنی اینجا نشد کم از کسی».

مقایسه متون در دو نسخه خطی

از مثنوی اول نسخه خطی به شماره ۱۵۸۴ فعلاً سی و پنج بیت در اختیار است و این مثنوی در نسخه خطی به شماره ۱۵۸۴ که با عنوان «مثنوی در تعریف آئینه خانه شاهزاده عالم» آغاز می‌شود و در نسخه خطی به شماره ۱۵۸۵ به عنوان «در صفت آئینه خانه» آغاز می‌شود و نیز ابیات زیر در آن به چشم نمی‌خورد:

(۱) شده از دیدنش بیکباره دل چو آئینه محو نظاره

(بیت دوم در نسخه خطی شماره ۱۵۸۴)

- (۲) شده در رتبت این نشمین پاک رشک آئینه خانه افلاک
(بیت پنجم در نسخه خطی شماره ۱۵۸۴)
- (۳) هر که آید بدیده بینا به تماشای این خجسته بنا
(بیت بیست و نهم در نسخه خطی شماره ۱۵۸۴)
- (۴) هیچ کارش بغیر دیدن نیست که مجال نفس کشیدن نیست
(بیت سی‌ام در نسخه خطی شماره ۱۵۸۴)

اختلاف متن

نسخه خطی شماره ۱۵۸۴ بیت اول را به شکل زیر آورده است:

حبذا زین نشمین والا که بود رشک عالم بالا
در نسخه شماره ۱۵۸۵ به جای «زین»، «این» آمده است.

در نسخه خطی شماره ۱۵۸۴ بیت سوم بدین شرح است:

چه عجب ز آبگینه بسیار گر هوایش بود رطوبت‌دار
در نسخه خطی شماره ۱۵۸۵ به جای «گر»، «که» آمده است.

در نسخه خطی شماره ۱۵۸۴ بیت زیر که سی و پنجمین بیت می‌باشد، در نسخه خطی شماره ۱۵۸۵ بیست و دومین بیت منظوره شده است:

ساخت از بسکه تنگدزش مرد همه آئینه را یک آئینه کرد
در نسخه خطی شماره ۱۵۸۴ بیت زیر که بیت دهم نسخه خطی شماره ۱۵۸۵ می‌باشد، وجود ندارد:

دیده دروی ز حیرت بسیار همچو آئینه پشت بر دیوار

مثنوی دوم

نسخه خطی شماره ۱۵۸۵ ابیات زیر را ندارد که در نسخه خطی شماره ۱۵۸۴ به صورت اضافه آمده است:

- (۱) تا بروز او را فروغ کوکب است روز پیش دیده انجم شب است
(بیت هشتم نسخه شماره ۱۵۸۴)
- (۲) این قدر ز آئینه‌ها دارد نمود آسمان تا بر زمین آرد فرود
(بیت نهم همین نسخه)
- (۳) در صفا رشک فضای سینه است اختر بیدار او آئینه است
(بیت پانزدهم همین نسخه)
- (۴) چشم بر بام و در او دوختن باید از آئینه‌اش آموختن
(بیت بیست و دوم همین نسخه)
- (۵) قدر هر آئینه او را بدان خط پیشانی از این عینک بخوان
(بیت بیست و دوم همین نسخه)
- مثنوی دوم در نسخه خطی شماره ۱۵۸۴ بیست و پنج بیت دارد و در نسخه خطی شماره ۱۵۸۵ نوزده بیت، نسخه خطی شماره ۱۵۸۴ به عنوان «مثنوی در تعریف آئینه خانه لاهور» آغاز می‌شود و این مثنوی در نسخه خطی شماره ۱۵۸۵ عنوان ندارد.

اختلاف متن

در نسخه خطی شماره ۱۵۸۴ بیت اول بدین شکل است:

خبذا زین خانه آئینه کار کاسمان شد بهر او آئینه‌دار

در نسخه خطی شماره ۱۵۸۵ به جای «زین»، «ای» آمده است.

در نسخه خطی شماره ۱۵۸۴ بیت شانزدهم بدین قرار است:

بس که در وی سیر مردم می‌کند خویش را نظارگی کم می‌کند

این بیت در نسخه خطی شماره ۱۵۸۵ بدین شکل آمده است:

بس که از وی سیر مردم می‌کند خویش را نظارگی کم می‌کند

آئینه خانه لاهور

آئینه خانه داراشکوه در حال حاضر از بین رفته است. هیچ اثری از آن وجود ندارد تا جایی که بنده اطلاع دارم این مثنوی تنها منبعی می باشد که درباره این بنا صحبت می کند. در هیچ منبعی از آن دوره و منابع دوران ما اشاره به آن نشده است.

آشنا

میرزا محمد طاهر عنایت خان آشنا (ظفر خان احسن در دیباچه دیوان خود او را به لقب عنایت الله یاد کرده است) پسر ظفر خان احسن از شعرا و صاحب منصبان ارشد دوره شاهجهانی می باشد. از طرف مادرش بزرگ خانم (دختر ملکه خانم و سیف خان^۱) با ممتاز محل^۲ خویشاوندی داشت. ممتاز محل خواهر کوچک ملکه خانم بود. عنایت خان آشنا در سال ۱۰۳۶ ه. (۱۶۲۸ م.) بدنیا آمده بود یعنی چند ماه قبل از اعلام رسمی پادشاهی شاهجهان - آشنا هنوز هفت ساله (از لحاظ تاریخ تولد وی در سنه ۱۰۳۷ ه.) بود که شاهجهان وی را برای «منصب» (مقام رسمی) انتخاب نموده بود این امر مقارن با چهل و چهارمین جشن وزن تولد شاهجهان به روز هفتم ربیع ثانی در سال ۱۰۴۴ ه. (۳۰ سپتامبر ۱۶۳۴ م.) و سفر اولی شاهجهان به کشمیر پس از شاهنشاه شدن می باشد. آشنا در سن بیست و سه سالگی (در سنه ۱۰۵۹ ه. / ۲۵ ژوئیه ۱۶۴۹ م.) به داروغگی داغ منتخب شده بود و در سال ۱۰۶۰ ه. / ۲۰ مارس ۱۶۵۰ م. به لقب «عنایت خان» نایل گردید. آشنا در سال ۱۰۶۶ ه. / ۱۶۵۶ م. به مقام هزار و پانصدی رسید. در سال ۱۰۶۸ ه. / ۱۰ دسامبر ۱۶۵۷ م. برای مقام کتابداری شاهنشاهی منتخب شد. آشنا در سن سی سالگی در زمان پادشاهی اورنگزیب به کشمیر عزیمت نمود و در آنجا کنج عزلت اختیار نمود و با بیست و چهار هزار روپیه سالیانه

۱- در آن زمان استاندار آگره بود.

۲- زن شاهجهان پادشاه سلسله گورکانیان.

که از طرف آن پادشاه می‌گرفت زندگی می‌کرد و در همین وضع انزوا در سال ۱۰۸۱ ه. / ۱۶۷۰ م. در سن چهل و چهار سالگی بر طبق تاریخ قمری و در سن چهل و سه سالگی بر طبق تاریخ میلادی درگذشت. محمد اعظم در تاریخ اعظمی سنه ۱۰۷۷ هجری را سال فوت آشنا قرار داده است که صحت آن مورد سوال است زیرا محمد طاهر نصرآبادی که در سال ۱۰۸۳ هجری تذکره خود را تألیف می‌کرد می‌گوید:

”... چنانچه مکرراً کتابت نوشته، دیوان خود را با غزلیات خسرو و چند کتاب دیگر جهت فقیر فرستاده... مسموع شد که در سال قبل از این فوت شد...”^۱

آشنا با شعرای نام‌آورده زمان خود مانند ابوطالب کلیم روابط دوستانه‌ای هم داشته است و بر طبق اطلاع نصرآبادی آنها با هم شوخی هم می‌کردند.^۲ غیر از دیوان اشعار که شامل قصاید، قطعات، مراثی، مثنویات، غزلیات و رباعیات می‌باشد در نثر تاریخ سی ساله شاهجهانی به نام ملخص هم از او باقی مانده که تلخیص «پادشاه‌نامه» محمد امین و عبدالحمید لاهوری است. آشنا در سن سی سالگی در سال ۱۰۶۸ هجری بروز چهارم ربیع‌الاول (دهم دسامبر در سال ۱۶۵۷ م.) که سال تکمیل دوره سوم پادشاه‌نامه است به عنوان کتابدار کتابخانه شاهنشاهی انتخاب شده بود و او کار تلخیص پادشاه‌نامه را در مدت چند ماه یعنی پیش از هفدهم رمضان در سال ۱۶۰۸ هجری (۱۸ ژوئن ۱۶۵۸ م.) که هنوز شاهجهان معزول نشده بود، انجام داد.

۱- تذکره نصرآبادی تألیف میرزا محمد طاهر نصرآبادی با تصحیح و مقابله استاد فقید وحید دستگردی

کتابفروشی فروغی، چاپ سوم ۱۳۶۱، ص ۵۸.

۲- همان.



منابع:

۱. طاهر نصرآبادی میرزا محمد: تذکرہ نصرآبادی با تصحیح و مقابلہ استاد فقید وحید دستگردی، کتابفروشی فروغی، چاپ سوم ۱۳۶۱ هـ. ش.
۲. اورینٹل کالج میگزین، لاہور، می ۱۹۲۶ م.

* * *